



فرهنگ شمسایی نژاد

مربی آموزشیار بازنشسته دانشگاه

سال بازنشستگی: ۱۳۸۲

اینجانب فرهنگ شمسایی نژاد در سال ۱۳۲۸ در بهبهان به دنیا آمدم. تا ۳ سالگی در همین شهرستان سپس به دلیل مهاجرت خانواده به اهواز، در این شهر زندگی کردم.

سال اول ابتدایی را در دبستان خرم اهواز تحصیل کرده و سال دوم را در بهبهان و سال سوم به بعد تا پایان تحصیلات دانشگاهی را در اهواز درس خواندم. در اولین دوره تحصیلات با کنکور سراسری بود، شرکت کردم و در رشته فیزیک پذیرفته شدم. البته در دانشگاه علم و صنعت نیز که پیشتر به نام دانشگاه هنر سرای عالی شناخته می شد، پذیرش شدم ولی به دلیل مشکلات مالی از طرف خانواده تشویق به ادامه تحصیل در دانشگاه اهواز (جندی شاپور) شدم.

در سال ۱۳۵۲ در رشته فیزیک دانشگاه جندی شاپور اهواز دانش آموخته شدم و جزء اولین دوره فارغ التحصیلان دانشکده علوم اهواز بودم. در سال ۱۳۵۶ به استخدام این دانشگاه در آادم و در ۱۳۶۶ به مرتبه مربی آموزشی رسیدم. در سال ۱۳۸۲ بعد از بازنشستگی از دانشگاه شهید چمران اهواز به استان اصفهان و شهر اصفهان آمدم و بعد از نامه‌ای که برای واحدهای دانشگاهی در باره قابلیت های خود در زمینه حفاظت و تعمیرات و نگهداری سیستم های آزمایشگاهی نوشتم، دعوت به همکاری شدم که ۱۶ سال به طول انجامید.

در دوره ۴ ساله تحصیلات خود در دانشگاه، علی رغم اینکه توقع بیشتری از علم آموزی پیش بینی کرده بودم متأسفانه به دلیل تازه پا بودن دانشکده و جوان بودن کادر علمی که اکثراً سالهای اولیه تدریس خود را شروع کرده بودند، نتوانستم به انتظارات خود برسم و بیشتر آموزه‌های های علم تجربی را در بعد از دوره دانشگاهی بدست آورده ام، و تاحدی توانسته ام علوم تجربی خود را از قوه به فعل درآورده بصورتی که در پایان دوره خدمت تدریس، نتایج بسیار قابل توجهی از عملکرد خود حاصل نمایم.

علوم تجربی بالاخص رشته فیزیک بعنوان علم مادر، بسیار گسترده است و اگر ما بخواهیم به صورت عملی تجربیات علوم را پیاده و اجرا کنیم بایستی همواره تئوریهای یاد گرفته شده، چه در زمینه نور-الکتروسیته- الکترونیک و مکانیک- پنیوماتیک- حرارت را بتوانیم از حالت تئوری به حالت علمی و قابل بهره برداری عملی در آوریم تا بتوانیم نیاز به تجربه و استمرار و پیدا کردن ارتباط عملی میان علوم در رشته تحصیلی خود را فراهم کنیم.

به اعتقاد من متأسفانه در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد، یا به علت حجم زیاد کار برای کسب مقام کارشناسی و یا ارشد و یا به علت ضعف استادان، دانشجویان در اجرای کار عملی و کاربردی کردن تئوریها بعد از فارغ التحصیلی، از دانستنی ها خویش نمی توانند به خوبی استفاده کنند.

من از موقع قرار گرفتن در سیستم کار در دانشگاه با این انگیزه و تفکر، کار خود را شروع کردم که وقت زیادی روی کار عملی صرف کنم. شاید ذکر خاطره ای بی مناسب نباشد.

موقعی که تحصیلات سیکل اول دبیرستان را شروع کردم ، پدرم یک دستگاه ضبط صوت ریلی، که تازه وارد بازار تجارتي ایرانی شده بود به مبلغ ۱۱۰ تومان خریداری کرد و یادم است بخشی از هزینه را نقدی و بقیه ماهیانه ۱۰ تومان را خود من به فروشنده پرداخت می کردم. مادر بزرگم در پاسخ سؤال مربوط به چگونگی ضبط شدن می گفت: مادر جان عروسک های کوچکی در داخل این ضبط قرار گرفته که صدای آدم ها را تقلید می کنند. همین موضوع انگیزه ای شد تا من دستگاه را در آن زمان با شهامت و جرأت فراوان و انگیزه قابل توجهی که درخور می دیدم ، باز کنم و بدنبال عروسک های کوچک بگردم. حالا بماند که چه تاوان سختی از دست پدرم پس دادم چون نمی توانستم آنچه را باز کردم دوباره ببندم!!

انگیزه کار عملی از همین زمان در اینجانب تقویت شد بگونه ای که در دوره کار در دانشکده علوم تصمیم گرفتم دفتری در زمینه کار آزمایشگاهی تأسیس کنم و چقدر در این امر مهم توفیق بدست آوردم. این انگیزه سبب شد تا من کارهای اجرائی زیادی از جمله حفاظت، تعمیرات و ساخت لوازم آزمایشگاهی و تأسیس آزمایشگاههای مربوط به رشته تحصیلی خود را در استان خوزستان به انجام رسانم.

در این قسمت، نیاز می بینم که در مورد مدیریت دانشگاهیان در زمینه استفاده مطلوب از ثروت آزمایشگاهی دانشگاه های ایران مطلبی را یادآوری کنم. چون این مطالب حاصل تجربه بیش ۵۰ سال کار عملی در مورد آزمایشگاه های کشور، بطور کلی، اعم از پزشکی و علوم تجربی است.

بسیاری از لوازم آزمایشگاهی که با پرداخت هزینه های زیاد خریداری شده، به دلیل بی توجهی مدیران و فرار از زحمات بازسازی و تعمیر و نگهداری آنها، به راحتی از چرخه کار خارج می شوند و لوازم نو به جای آنها خریداری می کنند. در حالی که برای چندین سال می توانند از آن استفاده کنند.

یکبار موجودی انبار دانشکده علوم را مورد بررسی قرار دادم و بیش از ۶ دستگاه آب سقط GFL- ساخت آلمان دیدم که برای نمونه یکی از آنها را خود من بازسازی و تعمیر کردم که فکر می‌کنم هنوز پابرجا کار می‌دهد. دانشجویان ما بایستی ارزش تئوری های علوم فرار گرفته را برای انجام ارزش های کاربردی علوم فرابگیرند تا بتوانند آموزه های خود را از قوه به فعل در آورند.

من در یک خانواده فرهنگی به دنیا آمده و پدر بزرگم تا حد خود، یک منجم و ستاره شناس بود. از خانواده گل شمس KAL-Shamsa شمس به معنی آسمان و ستاره های آن است و شمسایی یعنی نسل ستاره شناسان بهبهان.

پدر من مرحوم محمدعلی شمسایی نژاد از کارکنان دانشگاه اهواز بود که سالهای قبل از بیماری خود را (۲۹ سال) در دانشگاه و آموزش و پرورش استان به جهت علاقه به کار فرهنگی و تربیتی سپری کردند.

دانشگاه جندی شاپور اهواز قبلاً خلاصه می شد در چند دانشکده از جمله دانشکده کشاورزی که از طرف دانشگاه آمریکایی بیروت پشتیبانی می شد و تأمین استاد و ابزار آزمایشگاهی و مدیریت آن را بر عهده داشت. خود من در دوره نوجوانی که به دانشگاه می رفتم ابزار آزمایشگاهی متنوعی می دیدم که بیشتر از آلمان و آمریکا و انگلیس خریداری می شد و در دانشگاه مورد استفاده قرار می گرفت.

در سال ۱۳۳۶ برای تأسیس دانشگاه یادم است که وزارت علوم در مدت ۶ ماه از اساتید باستان شناس و ادبیات خواست تا برای نامگذاری دانشگاه نظر بدهند و حاصل کار انتخاب نام گندی شاپور شد که بعدها به نام جندی شاپور تغییر نام پیدا کرد.

در سال ۱۳۳۹ که سال احیاء مجتمع دانشگاهی جندی شاپور است، قرار شد زمینی مناسب برای این منظور پیش بینی شد. مرحوم پدرم و چند تن از همکاران دانشگاهی با همکاری شهرداری وقت، زمینی که در

اختیار دانشسرای کشاورزی اهواز بود، به این منظور انتخاب کردند. البته زمین دارای معارض بود ولی به تدریج که صاحبان زمین ها با دریافت مطالبات کنار کشیدند، زمین ها در اختیار دانشگاه قرار گرفت. حریم دانشگاه با ۱۱۰ هکتار زمین در کنار رود خانه تا لشکر آباد اهواز، دیوار و فنس کشی شد که این پروسه یعنی ساخت شهرک دانشگاهی اهواز قریب ۱۰ سال بطول انجامید.

برادر بزرگ اینجانب مرحوم هوشنگ شمسانی که از فارغ التحصیلان رشته شیمی در همین دانشگاه بود، سال ها در بخش امور اداری دانشگاه کار کرد و آخرین مسئولیت ایشان کارشناس امور فارغ التحصیلان دانشگاه بود. خواهر کوچکتر از من نیز بعد از ۳۰ سال کار در دانشگاه اهواز بازنشسته شد.

پس از بازنشسته شدن از دانشگاه شهید چمران اهواز در سال ۱۳۸۲، به اصفهان رفتم و بصورت آزاد خدمات مهندسی، تعمیرات دستگاههای دانشکده های دانشگاه اصفهان را انجام می دادم.

استادان این دانشگاه، بعد از کسب اطلاعات فنی و مهندسی و یا بویژه در زمینه طراحی و ساخت لوازم تحقیقاتی و پژوهشی، از من درخواست همکاری می نمودند که خوشبختانه نتایج ارزشمندی در این زمینه بعد از ۱۶ سال کار در این دانشگاه بدست آوردم. اینک با کوله بار سنگینی از علوم مهندسی و تجربی و کار تعمیرات لوازم آزمایشگاهی، دوران استراحت و بازنشستگی را در تهران سپری می کنم.